

بسم الله الرحمن الرحيم

فرمت مشترک برنامه‌های میان مدت میزکارهای تخصصی

(عناصر مشترک الزامی در بسته جامع حل مسئله)

میز مسائل اجتماعی ایران

فرم شماره ۲

شناسنامه تفصیلی حل مسئله

عنوان مسئله:

فقدان نظریه جامع عدالت و ضعف مناسبات عادلانه در جمهوری اسلامی ایران.

توصیف چیستی و ابعاد مسئله:

اگر نگوییم که عدالت بالاترین فضیلت اجتماعی در میان فضایل جامعه سیاسی است دست کم از مهم ترین فضایل جامعه انسانی است به گونه ای که قطعاً جامعه ای که مناسبات اجتماعی آن در عرصه های مختلف بر محور رعایت عدالت اجتماعی تنظیم نشده باشد، جامعه خوب سامان یافته ای نخواهد بود. عدالت اجتماعی مسئله ای صرفاً نظری نیست تا طراحی نظریه جامع عدالت اسلامی و پر کردن خلأ تئوریک در حوزه عدالت پژوهی تمام مسئله این میز باشد. حل مسئله عدالت به فراهم آمدن زمینه استقرار آن میسر است لذا لازم است در کنار بعد پژوهشی ابعاد فرهنگی، آموزشی و پرورشی و رفع موانع ساختاری و نهاد سازی نیز مد نظر باشد. از این رو در ارایه بسته جامع اقدامات مربوط به این مسئله سعی می شود که اقدامات پژوهشی بنیادین، کاربردی و توسعه ای جهت فائق آمدن بر فقدان نظریه جامع عدالت اسلامی و دیگر نیازهای تئوریک در نظر گرفته شود همچنان که فقدان نظام مناسبات عادلانه در جامعه ایران اقتضاء می کند که گام هایی فرهنگی نیز برداشته شود و در سطح عمومی و سطح نخبگانی با گفتمان سازی لازم توجه جامعه به سمت عدالت خواهی و اهمیت عادل بودن در سطح مراودات و انتخاب ها و تصمیم ها جلب شود. حل مسئله عدالت اجتماعی از سوی پرورش نسلی از پژوهشگران و محققان و دانش آموختگان حوزه عدالت را ضروری می سازد؛ از این رو در بسته جامع، اقدامات آموزشی و کادر سازی پژوهشی نیز باید در نظر گرفته شود. وضعیت آشفته جامعه اسلامی در عدم تناسب و هماهنگی میان عدالت خواهی (در قلمرو اندیشه و عمل) و عدم نهاد سازی لازم جهت استقرار عدالت، اقتضاء می کند پیشنهادهای کارآمد در جهت رفع موانع و زمینه سازی استقرار عدالت از طریق نهاد سازی لازم در هر یک از عرصه ها و ساختارهای کلان اجتماعی ارائه شود. یکی از ابعاد مغفول مسئله عدالت ضرورت مدیریت دانش در قلمرو عدالت پژوهشی و تولید دانش بومی در این زمینه است لذا در کارگروه عدالت تلاش می شود که نظام مسائل و موضوعات عدالت از سه منظر «هنجاری» (normative) «توصیفی» (descriptive) و «تبیینی» (explanatory) طراحی شود تا سامانه لازم جهت مدیریت و جهت دهی و طبقه بندی مناسب فعالیت های پژوهشی و تولید محتوای نظری و علمی عدالت اجتماعی فراهم آید.

### تبیین زمینه‌ها، ریشه‌ها و علل مسئله:

ریشه فقدان نظریه جامع عدالت را باید در خلاءهای علمی و معرفتی در دو ساحت پژوهش و آموزش جستجو کرد. خاستگاه نبود مناسبات عادلانه را هم باید در نظام آموزشی (در دو ساحت آموزش عمومی و نخبگانی) دنبال نمود. در زمینه پژوهشی، کارهای عجولانه و نگاه‌های ترویجی در نوشته‌ها، نه تنها مسئله‌ای از مسائل عدالت را پاسخ نداده، بلکه خلط و خبط‌های فراوانی را بوجود آورده و ادبیات عدالت و عدالت‌پژوهی را آشفته ساخته است. از سوی دیگر، خلاءهای عمیق روش‌شناختی در استخراج نظریه و یا نظریه‌های عدالت از منابع دینی، و همین‌طور فقر روشی در استفاده از نظریات بدیل عدالت در دنیای معاصر و احیانا نقد عالمانه آنها، صورت‌بندی نظریه جامع عدالت اسلامی را به تأخیر انداخته و طراحی آن را سخت و دشوار ساخته است. علاوه اینکه، محدودیت زبانی در استفاده از منابع گسترده (در زبان‌های مختلف) از یک طرف، و در دسترس نبودن هزاران منابع مربوط به عدالت از طرف دیگر، عوامل مضاعفی بوده اند در صورت‌بندی تلاشی جامع برای استخراج نظریه ای فراگیر در موضوع عدالت اسلامی.

فقدان مناسبات عادلانه را هم می توان در سه سطح بین‌المللی (دولت - دولت)، دولت-مردم، و مردم-مردم طرح نموده و زمینه‌ها و علل آن را معلوم ساخت. ریشه‌های چنین مناسبات آشفته و غیرعادلانه را باید در نبود موضوع «عدالت» در نظام آموزشی مدارس، بی توجهی به مقوله عدالت در برنامه تربیتی جامعه، عدم اهتمام به «عدالت» در قانون‌گذاری و سیاست-گذاری، فقدان نظارت در اجرای عدالت، نبود منطق اولویت‌ها در سیستم قضایی جامعه معاصر ایران، آمیختگی بی‌عدالتی با فرهنگ عمومی و خصوصی (بویژه نخبگان سیاسی)، و جدی نبودن عدالت در مناسبات خانوادگی و پرورش درون‌خانه، جستجو کرد. این ریشه‌ها مناسبات انسانی بین دولت - مردم، و مردم - مردم را مختل نموده و مقوله عدالت را از این مناسبات دور کرده است.

ریشه‌های فقدان عدالت در مناسبات دولت - دولت را باید در مدرنیزاسیون دول اسلامی که نوعی از بی‌عدالتی را بر کشورهای مسلمان تحمیل می کند، در نگرش‌های رادیکال مذهبی (شیعه و سنی) و فقدان نگاه امت‌سازی به دیگر جوامع اسلامی، و در عدم گفتگوهای دینی و نخبگانی بین علمای جهان اسلام در موضوع عدالت، همه موجب می شود که زمینه های مناسبات عادلانه بین دولت - دولت نیز از بین برود و فضای روابط بین الملل اسلامی و غیر اسلامی به سمت بی‌عدالتی پیش برود.

### چالش‌های مسئله:

موانع و چالش‌های پیش رو در حل مسئله و دستیابی به نظریه جامع عدالت و بر طرف کردن مناسبات عادلانه در جمهوری اسلامی ایران را می توان در دو دسته سخت افزاری و نرم افزاری طبقه بندی کرد. موانع سخت افزاری از جمله عدم کفایت نیروی انسانی متخصص عدالت پژوه و همین‌طور فقدان سیستم آموزشی و پرورشی برای تربیت چنین عوامل انسانی، تغافل نسبت زمینه‌های تربیتی و فرهنگی عدالت در جامعه، نبود منابع در دسترس برای تحقیق و تفکر در موضوع عدالت، و فقدان حمایت از پژوهشگران حوزه عدالت از جمله موانع و چالش‌های ساختار در حوزه عدالت است. موانع نرم افزاری هم کاستی‌های جدی در شعور دینی عمومی در نگاه به موضوع عدالت به عنوان یکی از موضوعات مرکزی در دین

و دینداری، عدم اهتمام به تولید ادبیات پژوهشی جامع و مانع، مساله شناسی‌های نادرست و فاقد روش در حوزه عدالت، عدم سنجش انتظارات مردم از عدالت و میزان تطبیق سیاستها و سیاستگذارها با عدالت، و نبود زمینه‌ها و آزادی‌های لازم در نقد صریح و دلسوزانه از تجربه عدالت و سرنوشت آن در جمهوری اسلامی.

هرچند موارد فوق همه مربوط به گذشته مسئله عدالت است که باعث شده قسط و عدل همچنان در محاق بماند، لیکن همین موانع و چالش‌ها امروز نیز وجود دارند و وجود آنها برای برنامه‌های میز عدالت می‌تواند دردسر ساز باشد. براین اساس باید در تدبیرهای آموزشی، پژوهشی و فرهنگی نسبت به آنها چاره‌اندیشید و در برابر حواشی کار مقاومت لازم را نشان داد. در غیر این صورت، پرداختن به عدالت، تبدیل به یک تشریفات و یا نفاق جدید در جمهوری اسلامی خواهد شد و ملاحظات و محافظه‌کاری‌ها، حجابی مجدد در مسیر عدالت و عدالت خواهی خواهد بود.

مشکل و چالش اساسی دیگر در این میان فاصله‌های زیاد میان شعار تا عمل در جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته است که باعث میشود تا برای تقویت مناسبات عادلانه مشکل ساز باشد.

چالش دیگر ناکامی در تطبیق مباحث نظری و عملی عدالت و به عبارت دیگر مباحث انتزاعی و انضمامی است. بینا رشته‌ای بودن بحث عدالت و تداخل دانشی در فرآیند دستیابی به نظریه جامع عدالت چالش جدی دیگر است که کارگروه عدالت باید به آن توجه کند.

#### **شبکه مسائل مرتبط:**

با توجه به احصا نظام موضوعات عدالت در کارگروه عدالت از سه منظر «هنجاری» (normative) «توصیفی» (descriptive) و «تبیینی» (explanatory)، ماتریس آماده شده (پیوست شماره یک) معطوف به شبکه موضوعات حوزه عدالت در بخش هنجاری است؛ اصطیاد موضوعات مربوط به بخشهای توصیفی و تبیینی هم در دستور کار میز تخصصی عدالت قرار دارد.

#### **پیشینه اقدامات در سطح کشور:**

**مراکز:** مجموعه‌هایی مانند مرکز الگوی اسلامی ایران پیشرفت که در آن اندیشکده عدالت وجود دارد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که دارای گروه عدالت پژوهی است، دانشگاه امام صادق علیه السلام که گروه عدالت پژوهی دارد، و همچنین فعالیت‌های حقوقی دانشگاه مفید بویژه در زمینه حقوق بشر، همه جزو اقداماتی است که پیش از این در مراکز دیگر علمی و تحقیقاتی انجام یافته و ظرفیت‌هایی را تولید کرده است.

**تحقیقات:** رصدی از محصولات مکتوب حوزه عدالت در چهار حوزه کتب، مقالات علمی، مقالات ژورنالیستی و پایان نامه‌ها در میز تخصصی عدالت انجام یافته است که در پیوست آمده است.

## چرخه عمر مسئله:

عدالت از مسائل اساسی بشری است فلذا عمری به درازای عمر بشر دارد. اما از آنجا که نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر آموزه های اسلام ناب است و در این باره عدالت هم یکی از شعارهای اصلی انقلاب بوده و رسیدن به نقطه حکومت عادل از اهداف جمهوری اسلامی بوده است، ضمن عنایت به موانع بیرونی و دشمنی های دشمنان، باید عمر مساله و چالش عدالت را به دوران جمهوری اسلامی گره زده و آسیب های ناعادلانه در مناسبات انسانی را در دوره زمانی بعد از وقوع انقلاب با حساسیت بیشتری مطالعه و تحلیل نموده و برای جبران آن چاره ای اندیشید.

اما به لحاظ تاریخی، در یک مرحله، پیشینه مسئله عدالت در دوره معاصر را می توان به دوره مشروطه و جنبش عدالت-خواهی برگردانید و تجربه فکری و سیاسی علما و حرکت های مردمی را در عدالت خواهی در نظر گرفت؛ در مرحله دیگر و دورتر، باید توجه داشت که اساسا ریشه های مسئله امروز عدالت، صرفا به نیازهای معاصر جدید (در صد سال گذشته) برنمی گردد بلکه مقوله عدالت در مقاطع مختلف تاریخ تمدن اسلامی نیز ریشه داشته است و در این باره تجربه و کارنامه حکام و حکماء مسلمان در دوره های مختلف شیعی و سنی در تاریخ اسلام بسیار مهم و برجسته بوده است که باید سرنوشت و کارنامه چنین اقدامات علمی و یا عملی را در موضوع عدالت، مورد توجه قرار داد.

### چارچوب نظری مسئله (مبانی تشخیص مسئله):

۱. مبانی ارزشی و ایدئولوژیک: اینکه اقامه قسط و عدل و تحکیم مناسبات عادلانه در عرصه های مختلف حیات جمعی یکی از اهداف میانی دین و جامعه دینی و اسلامی است. براین اساس، عدالت را هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی باید بسامان کرده و جامعه را در فرایند عدالت قرار داد. براین اساس، فقدان نظری و یا عملی عدالت، به معنای ضعف بعد نظری و دین شناسی و نیز ضعف عملی دین داران و پیاده سازی خود دین در آن جامعه محسوب می شود، و یا اینکه دست کم، بی عدالتی در جامعه، فرآیند دینی کردن جامعه را کندتر می سازد.

۲. مبانی روشی و تکنیکال: اینکه بدون اقامه عدل، اساسا جامعه، حکومت، و تمدن اسلامی شکل نمی گیرد.

ابعاد نظری

مدل مفهومی و نظریه پایه در حل مسئله: نظریه پایه در حل مسئله هنوز منقح نشده است و البته اقدام بدان نیز خود، بخشی از اقدامات پژوهشی و آموزشی در میز عدالت خواهد بود.

درجه اهمیت:

عدالت به دلایل متعددی از پر اهمیت ترین مسائل اجتماعی جامعه اسلامی و جامعه ایران است. عدالت یک خواست فطری و یک نیاز واقعی احساس شده و باور شده در جامعه ما است. شاهد این مدعا حرکت های اجتماعی مشروطیت، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی ایران است که در همگی عدالت طلبی از شعارها اصلی بوده بلکه خواسته اصلی نهضت مشروطه تأسیس عدالت خانه بوده است. در آموزه های دینی عدالت و اقامه قسط توسط مردم به عنوان اصلی ترین هدف اجتماعی بعثت انبیاء ذکر شده است؛ حقیقتی که در سوره حدید «لیقوم الناس بالقسط» به آن اشاره شده است. همچنین راهبردهای کلان جمهوری اسلامی و در اسناد بالادستی نظام تأکید فراوانی بر عدالت شده است تا جایی که مقام رهبری دهه چهارم انقلاب را دهه عدالت و پیشرفت بارگذاری کردند و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به مثابه سند بالادستی همه برنامه های کوتاه مدت نظام را الگوی عدالت محور و معنویت گرا لقب دادند. به دلایل فوق بسیار اهمیت دارد که در این میز که بنا دارد به مسائل اجتماعی اسلام و ایران می پردازد مسأله عدالت به عنوان نخستین و اصلی ترین مسأله این میز توسط کار گروه عدالت دنبال شود و نقشه راه تقرب به حل این مسأله جهت فعالیت پنج ساله دفتر تحت هدایت و راهبری این کار گروه طراحی شود.

سایر موارد ضروری به تشخیص میز: موارد ضروری در نظام جامع موضوعات و نظام جامع اقدامات قید گردیده است.